

سلطه و هنر مقاومت

روایت‌های نهانی

جیمز سی. اسکات

ترجمه‌ی افشین خاکباز



فهرست

۱	پیشگفتار
۷	تقدیر و تشکر
۱۳	فصل ۱. در پس داستان رسمی
۲۹	فصل ۲. سلطه، کنش، و تخیل
۲۹	مقصدها
۳۵	مقدمات
۳۵	تمکین و سخنان پشت سر (یا صحنه)
۴۰	قدرت و کنش
۴۸	کنترل و تخیل — مبنای روایت نهانی
۵۷	فصل ۳. نمایش عمومی به عنوان نمایشی قابل احترام
۵۷	ارزش و هزینه‌ی نمایش عمومی
۶۲	پنهان‌سازی
۶۴	تلطیف‌ها و بدنامی‌ها
۶۷	اجماع
۷۰	رژه و تجمع: گردهمایی‌های مجاز و غیرمجاز
۷۸	مخاطب نمایش کیست؟
۸۳	فصل ۴. آگاهی کاذب یا اغراق؟
۸۴	تفسیر سکوت
۹۰	نقد هژمونی و آگاهی کاذب

۹۵	نظریه‌ی پوشالی هژمونی
۹۸	تولید اجتماعی ظواهر هژمونی
۱۰۳	بازخواست از قدرت یا ارزش مصرف هژمونی
۱۰۹	شاهدوستی ساده‌لوحانه: زنده‌باد فلائی
۱۱۶	توجه به گفتمان عمومی
۱۲۱	فصل ۵. ایجاد فضای اجتماعی برای خرده‌فرهنگ مخالف
۱۲۲	واکنش به گفتن «عمو»
۱۲۴	کارِ نفی
۱۲۸	نفی ایدئولوژیک
۱۳۱	اهمیت اقدام متقابل
۱۳۳	پایگاه‌ها و حاملان روایت نهانی: میزان آزادی
۱۳۷	کنترل اجتماعی و نظارت از بالا: جلوگیری از روایت نهانی
۱۴۲	کنترل و نظارت اجتماعی از پایین: دفاع از روایت نهانی
۱۴۷	جامعه‌شناسی پیوستگی در روایت نهانی
۱۴۹	فصل ۶. صدای تحت سلطه: هنر استتار سیاسی
۱۵۱	شکل‌های ابتدایی استتار
۱۵۳	گمنامی
۱۶۵	تلطیف
۱۶۷	غرولند
۱۷۰	شکل‌های پیچیده‌ی استتار: بازنمایی‌های جمعی فرهنگ
۱۷۳	فرهنگ شفاهی به‌عنوان استتاری مردمی
۱۷۵	داستان‌های عامیانه، نیرنگ‌باز
۱۸۰	وارونگی نمادین: نشریات دنیای وارونه
۱۸۶	آیین‌های وارونگی، کاروان شادی و ضیافت
۱۹۷	فصل ۷. فروسیاست‌های گروه‌های فرودست
۱۹۹	روایت نهانی در مقام تظاهر؟
۲۰۲	روایت نهانی در مقام عمل
۲۰۶	آزمودن مرزها
۲۱۲	مقاومت در زیر خط

۲۱۷	فصل ۸. بزم قدرت: نخستین اعلان آشکار روایت نهانی
۲۱۸	امتناع از بازتولید ظواهر هژمونی
۲۲۱	شکستن سکوت: الکتربسته‌ی سیاسی
۲۲۶	در جست‌وجوی رضایت عمومی
۲۳۲	زمان‌بندی: اراده‌گرایی و ساختار
۲۳۵	فره‌مندی و ساختار روایت نهانی
۲۳۹	شکستن طلسم
۲۴۳	کتاب‌شناسی
۲۵۵	نمایه

پیشگفتار

اندیشه‌ای که در پس این کتاب است ثمره‌ی تلاش‌های مستمر و کمابیش کودکانه‌ی من برای درک روابط طبقاتی در یکی از دهکده‌های مالایاست. در آنجا شرح‌های متفاوتی از معاملات زمین، میزان دستمزد، شهرت اجتماعی، و تحولات فناوری می‌شنیدم. این مسئله به‌خودی‌خود چندان عجیب نبود، چون روستاییان مختلف منافع متعارضی داشتند. آزاردهنده‌تر این بود که همین روستاییان گاهی گفته‌های قبلی خود را نقض می‌کردند! مدتی طول کشید تا به فکرم خطور کند که این تناقض‌ها به‌ویژه، ولی نه همیشه، در میان روستاییان فقیرتری پدیدار می‌شود که از لحاظ اقتصادی بیشترین وابستگی را دارند. وابستگی نیز به اندازه‌ی فقر اهمیت داشت، چون بعضاً فقرای نسبتاً مستقلی هم بودند که نظراتشان هم عاری از تناقض بود و هم مستقل.

دیگر اینکه این تناقض‌گویی‌ها از نوعی منطق موقعیتی پیروی می‌کردند. وقتی که مسئله را تنها به روابط طبقاتی محدود کردم (که تنها یکی از مسائل است)، به نظر می‌رسید فقرا در حضور ثروتمندان یک ساز و در میان فقرا سازی دیگر کوک می‌کنند. ثروتمندان نیز با فقرا به یک زبان و با یکدیگر به زبانی دیگر سخن می‌گفتند. این‌ها آشکارترین تفاوت‌ها بود، و بسته به ترکیب خاص گروهی که سخن می‌گفت و البته موضوع بحث، تمایزات ظریف‌تری نیز آشکار می‌شد. طولی نکشید که دیدم می‌توان، با استفاده از این منطق اجتماعی، راه را برای مقایسه‌ی این گفتارها با یکدیگر هموار کرد و راهی به این قلمروی ناشناخته گشود. این شیوه برای اهداف محدودی که داشتم کاملاً مناسب بود و حاصل آن در کتاب *سلاح‌های ضعیفان: شکل‌های هرروزه‌ی مقاومت دهقانان* (انتشارات دانشگاه ییل، ۱۹۸۵) به‌ویژه صفحات ۲۸۴ تا ۲۸۹ آمده است.

وقتی که با چگونگی اثرگذاری روابط قدرت بر گفت‌وگوی میان اهالی مالایا بیشتر آشنا شدم، طولی نکشید که فهمیدم خود من نیز وقتی در حضور کسانی هستم که به‌نوعی نسبت به من قدرت چشمگیری دارند چگونه سنجیده سخن می‌گویم، و متوجه شدم هنگامی که باید پاسخ‌هایی را که به نظرم محتاطانه نیستند فرو بخورم، اغلب کسی را پیدا می‌کنم که ناگفته‌هایم را به او بگویم. انگار